

شیوه های برخورد با مسأله اصلاحات ارضی در سالهای ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم (۲)

چگونگی تطبیق اصلاحات ارضی در مرحله دوم کودتای ثور:

در مرحله دوم کودتای ثور، حزب ادعا میکرد که: پروگرام تطبیق اصلاحات ارضی را بخاطر ایجاد شرایط مساعد برای استفاده معقول و موثر از زمین ورشد نیروهای تولیدی زراعتی و استحکام بنیاد مادی و همچنان استفاده بهتر از پیشرفت های علم و تجربه مترقی، وبمنظور انجام کمک های مادی و تکنیکی به زمینداران به نوبه اول به دهقانانی که در جریان تطبیق اصلاحات ارضی صاحب زمین میگرددند، مساعدت به امر تشکیل کوپراتیف های زراعتی و توسعه فعالیتهای آنها، انتقال و فروش محصولات زراعتی براساس اصول عادلانه، انجام کارهای ساختمانی و ترمیم سیستم ها و شبکه های آبیاری و سرکها، مکاتب، شفاخانه ها و سایر پروژه های عام المنفعه، تحکیم همبستگی واتحاد دهقانان با کارگران و سایر اقشار مردم افغانستان در چوکات جبهه ملی و ایجاد شرایط هرچه مساعد تر برای وحدت و ارتقای شعور دهقانان و فعالیت های اجتماعی آنان وبالاخره بخاطر امحای کامل بقایای نظام فیودالی در زندگی اقتصادی واجتماعی دهقانان کشور و تامین عدالت اجتماعی(۳۷) بگونه ذیل طرح و عملی نماید:

"اول- برای حل اساسی مسأله اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب، دهقانان، کوچیان، کارگران زراعتی، زمینداران خرده پا متشکل و بسیج میگرددند تا در پیاده کردن تصامیم عمده حزب و دولت ومنجمله اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب سهم فعال و مثبت بگیرند.

دوم- زمین و آب ساحات مازاد نصاب حسب احکام فرمان شماره هشتم (ضمیمه نمبر ۱) و مقررات شماره یک، طور رایگان از فیودالان به دهقانان بی زمین، کم زمین وکارگران زراعتی و کوچیان توزیع میگردد. به انتقال و اسکان دهقانان و کوچیان یک ولایت به ولایت دیگر وقتی مبادرت ورزیده میشود که ولایت مورد نظر بیشتر از نیازمندی مردم خود زمین و آب برای توزیع داشته باشد.

سوم- زمین مازاد نصاب و زمین دولتی که بشکل یک قطعه (صدهکتار و بیشتر از آن بفارم دولتی، کمتر از آن و بیشتر از بیست هکتار زمین به کوپراتیف زراعتی محل مربوط در صورتیکه موجود باشد) و کمتر از بیست هکتار زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین، کارگران زراعتی و کوچیان توزیع میگردد.

چهارم- در باره زمین اضافه جریب و ترکه شده از احکام تقسیم امور زمینداری و مقررات شماره دوم فرمان شماره هشتم استفاده شود.

پنجم - قبل از آغاز تشخیص زمین های قابل توزیع و تشخیص مستحقین جدید وضع اصلاحات ارضی مرحله اول در سراسر کشور مورد ارزیابی قرار میگردد و کسانی که زمین توزیع یافته شانرا بشکل غیرقانونی از دست داده باشند. بخودش و یا اعضای خانواده اش یا در غیاب ایشان به مستحق دیگر مجدداً اعاده میگردد. به آنده مستحقین که سند توزیع زمین را از دست داده و با اخذ نکرده باشند، سند رسمی ملکیت زمین اعطا میگردد. کسانی که زمین را ترک گفته ولی دوباره قبل از تطبیق اصلاحات و یا در حین تطبیق پروگرام مراجعت میکنند، داخل نصاب مربوطه بایشان بازگشت میشود.

دفاتر اساس ثبت زمین مستحقین و توزیع زمین و سایر دفاتر، دوسیه ها و فورمه های که در ولسوالی ها حریق و یا از بین برده شده باشند، مجدداً ترتیب واکمال میگردد. آن صندوق های تعاونی که یک تعداد ویا تمام دهقانان عضو آن زمین دریافت نکرده اند مجدداً باز میشود و در امور عملیاتی اصلاحات ارضی رول عمده برای شان داده میشود. آن اعضای صندوق تعاونی دهقانی که زمین دریافت کرده اند، پس انداز ایشان، به کوپراتیفی که عضویت آن را حاصل کرده اند، انتقال می یابد.

برای توزیع زمین، کمیته های انقلابی دهقانان که در آن بر علاوه نمایندگان دهقانان، نمایندگان سازمانهای اجتماعی و تمام اقشار ملی و دموکراتیک ومنجمله روحانیون و وطن پرست اشتراک میورزند و جهت توزیع آب مطابق قانون آب ومقرره استفاده از آب در زراعت، کمیته های دهقانی در مناطق تحت پروگرام اصلاحات ارضی و آب ایجاد میگردد.

ششم - پلان عملیاتی اصلاحات ارضی و آب قبل از تطبیق آن در سراسر کشور در مرحله نخست در برخی از ولایات کشور که از طرف کمیسیون کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق و شورای وزیران تعیین میگردند تطبیق شود.

هفتم - دهقانان بی زمین، کم زمین، کارگران زراعتی و کوچیان که تحت پروگرام اصلاحات ارضی زمین دریافت کرده ویا میکنند، از امتیازات و حقوق ذیل استفاده می برند:

۱- از زمین به نفع خود و خانواده خود بهره برداری مینمایند،
۲- برای کشت و زراعت خود از نماینده گی بانک انکشاف زراعتی میتوانند قرضه دریافت نمایند و در گرفتن قرضه حق اولیت دارند،

۳- کودکیمیای، تخم بذری، ادویه جات، ماشین آلات زراعتی و سایر ضروریات تولیدی زمین خود را از موسسات دولتی طور قرضه حاصل میکنند و در زمینه حق تقدم دارند،

۴- در کوپراتیف های زراعتی بحیث عضو شامل شده و از امتیازات اقتصادی و اجتماعی آن استفاده معقول مینمایند،
۵- تولیدات خود را میتوانند طور آزاد یا از طریق کوپراتیف های زراعتی در بازار ویا موسسات، دوایر و فابریکه ها به نرخ عادلانه و مساعد بفروش رسانند،

۶- میتوانند به محاکم و ارگان های مربوط جهت تضمین و دریافت حقوق مسلم شان در مقابل شخص یا موسسه ادعا نمایند.

۷- مصونیت اجتماعی و اقتصادی شان از طرف حزب و دولت تضمین میگردد و در صورت تهدید مستقیم از طرف دشمنان شان میتوانند سازمان دفاعی ملکی قریه و ساحات زمینداری خود را ایجاد کنند،

۸- حق دارند در قسمت استفاده از کمک های تخنیکی و مادی و انکشاف زمین و آب از ارگانها و موسسات دولتی حق اولیت را دریافت نمایند.

۹- حق انتقال زمین توزیع شده به اعضای خانواده که در آن کار میکنند، بعد از فوت مستحق محفوظ مینماید.

۱۰- حق دارند که هر یک ساحه زمینداری خود را به اثرباد کردن زمین مساعد به زراعت دولتی ویا اضافه جریبی پلوان شریکی که با آن ضرورت داشته باشد، الی دوهکتار (ده جریب زمین درجه اول) طور رایگان و بیشتر از آن در مقابل قیمت مساعد قرضه حسب احکام قانون تنظیم زمینداری و مقررات شماره یک و شماره دوم الی ۶ هکتار زمین معادل درجه اول انکشاف و توسعه دهند.

هشتم- به منظور کمک بهتر به دهقانان و زمین داران تاسیسات زیر بنائی روستاها ایجاد و انکشاف مینمایند تا آنها در امور زراعتی و اجتماعی آگاهانه به نفع خودشان در اقتصاد ملی کشور فعالیت نمایند.

استیشن اصلی میکانیزه زراعتی در مرکز هر ولایت و استیشن فرعی آن در مرکز هر ولسوالی بالتدریج تاسیس میگردد. شعبات تنظیم امور زمینداری و ترویج زراعتی، نمایندگی های بانک و شرکت کودکیمیای و تخم بذری اصلاح شده، دستگاه های ساختمانی انکشاف دهات و اداره تنظیم آب، ترمیم و احیاء سیستم موجوده آبیاری، کلینیک های و ترنری، مراکز صحت انسانی و تهیه آب آشامیدنی، مساجد و مکاتب و شعبات احیاء، حفاظه و انکشاف مراکز تربیه حیوانی، علفچرها و جنگلات در هر ولسوالی کشور احداث میشود. فارم های دولتی تحقیقاتی زراعتی در مناطق عمده زراعتی به حیث مراکز تربیوی و تحقیقاتی زراعتی برای دهقانان و زارعان منطقه ایجاد میگردد.

در قسمت احداث سرکهای فرعی و تسهیلات ترانسپورتی و شبکه های مخابراتی و ولسوالی و قریه جات توجه مبذول میگردد. (۳۸)

پروگرام ادامه تطبیق اصلاحات ارضی مرتبه وزارت زراعت و اصلاحات ارضی طی سه پلان عملیاتی تنظیم گردیده است. این پروگرام در مورد ارزیابی نتایج مرحله اول اصلاحات ارضی، از بین بردن اشتباهات قبلی، بررسی عادلانه منازعات در مورد زمین و آب، توزیع مجدد اسناد قانونی زمین های اضافی، ثبت و صدور اسناد ملکیت زمین میباشد.

پروگرام ادامه تطبیق اصلاحات ارضی همچنان متضمن انجام کمک تخنیکی و مالی به دهقانان، کوپراتیف های زراعتی و فارم های دولتی به منظور رشد تولید زراعتی و بیسپ همه جانبه جنبش کوپراتیفی میباشد، متاسفانه در مرحله دوم کودتای ثور نیز پروسه حل اصلاحات ارضی و آب، آنچنانکه انتظار میرفت تحقق نیافت.

بر طبق ارزیابی ایکه از مرحله اول اصلاحات ارضی در ۲۸ ولایت کشور در اخیر سال ۱۳۶۲ بعمل آمد، معلوم گردید که از جمله ساحاتیکه بر اساس اصلاحات ارضی توزیع گردیده، صرف ۵۳/۲ فیصد آن در ملکیت دهقانان باقیمانده است و ۳۳ فیصد آن جبراً از تصرف دهقانان کشیده شده و در ملکیت صاحبان اولی قرار گرفته و ۱۳ فیصد آن اصلاً بنابر کمبود آب و تخم بذری زرع نشده است. همچنان در نزد ۱۳۶۳۴۰ زمیندار در ساحات ارزیابی شده جمعاً ۳/۲۳۶ هزار هکتار زمین مازاد نصاب بطور غیر قانونی حفظ شده است. (۳۹)

مرحله سوم (مرحله مشی مصالحه):

تجارب هشت، نه سال رژیم برسر قدرت نشان داد که تطبیق سریع اصلاحات ارضی در کشور، یک پروسه ساده و بسیط نبوده و می بایستی در برابر مشکلات تحقق این پروسه و جان سختی ای که فیودالیزم کهن سال در کشور از خود نشان می دهد، با حوصله مندی از انعطاف پذیری معقول کارگرفت و تاکتیک بر خورد با این مساله را مرحله بمرحله با دقت و تعمق هر چه بیشتر ادامه داد.

باری در پلینوم بیستم حزب دموکراتیک خلق افغانستان به این مساله برخورد نقادانه صورت گرفت و می تود ها و شیوه های جدید برخورد برای ادامه موفقانه اصلاحات ارضی مطرح شد. دکتر نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق، در قسمتی از گزارش اساسی در پلینوم بیستم گفت: "ما با تخریب مناسبات تولیدی نضج یافته و پامال نمودن عنعنات و رسوم و رواج مردم، اصلاحات ارضی را از نقطه دیگری شروع کردیم... ما در یک کشور دهقانی بطور شاید و باید مصروف کار با دهقانان نمی باشیم. ما سعی ورزیدیم تا چنین مساله حیاتی مانند زمین و آب را از طریق توزیع اسناد مجرد حل و فصل نمائیم..." (۴۰)

منشی عمومی حزب گفت: "به ارتباط مساله ارضی، دهقانی و اصلاحات ارضی و آب برخورد جدید لازم است. ما نباید فراموش نمائیم که اصلاحات ارضی نه یک ژست عادی و یک لحظه ئی تخنیک و سیاه کردن کاغذ و اسناد است، بلکه تحقق دگرگونی های عمیق اجتماعی-اقتصادی و یا به عبارت دیگر پروسه اجتماعی میباشد. به شورای وزیران جمهوری افغانستان وظیفه داده شده تا با در نظر داشت آرزومندی تحقق مشی مصالحه ملی اسناد نورماتیوی را که جوابده منافع و خواست های تمام اقشار زمینداران، دهقانان متوسط، کم زمین و بی زمین باشد، تهیه نماید." (۴۱)

دکتر نجیب الله افزود: "در شرایط مصالحه ملی اصلاحات ارضی محتوای جدید کسب می کرد، زیرا: "حلقه اصلی سیاست ارضی عبارت از تدوین علمی اندیشه های انکشاف زراعت میباشد... با تدوین سیاست ارضی دستاوردها، تحولات مترقی و شرایط دورنمایی انکشاف زراعت نه تنها مدنظر گرفته میشود، بلکه آنرا در رشد و بازسازی امور زراعتی تنظیم مینماید." (۴۲)

جامعه افغانستان از لحاظ ساختار اجتماعی-اقتصادی، عمدتاً یک جامعه عقب افتاده دهقانی و روستا نشین است که پایه های عمده اقتصاد روستائی آن بر فرآورده های کشاورزی از طریق کاربرد وسایل ابتدائی تولید و مالداري و اندکی صنایع دستی استوار است. از این لحاظ وارد کردن تحولات بنیادی در زراعت و مناسبات ارضی به نفع دهقانان در عین حالی که نقش فوق العاده مهمی را در زمینه رشد نیروهای مولده و ارتقای سطح بازدهی کار در زراعت بدنبال دارد. بدون شبهه آنانی را که منافع خود را از دست میدهند، برای بقای مواضع و منافع شان به عکس العمل خشونت بار برمی انگیزاند. از این جهت بدون درک شرایط اقتصادی-اجتماعی جامعه و نحوه عکس العمل نیروهای مخالف و متناسب نیروهای مخالف و متناسب نیروهای طبقاتی و امکانات ملی و بین المللی هر نوع اقدام عجولانه در استفاده از اشکال سازماندهی که شرایط آن هنوز مهیا نباشد، نه تنها تحولات انقلابی را تسریع نمی نماید، بلکه برعکس در راه آن موانع ایجاد نموده، سیر طبیعی آنرا بطی میسازد.

در مجله "زندگی حزبی" در اوایل سال ۱۳۶۶ در ارتباط به تغییر سیاست ارضی دولت میخوانیم که: "باید توجه نمود، همان طوریکه راه های کسب قدرت دولتی بوسیله زحمتکشان متنوع اند، راه های تعویض مالکیت خصوصی بروسایل تولید نیز متنوع و از هم متفاوت اند. در زمینه انتخاب اشکال و آهنگ تحولات و حدود آن، نقش تعیین کننده بشرایط مشخص تاریخی این یا آن کشور تعلق دارد. بناءً نباید این نکته را فراموش کرد که مالکیت خصوصی بر زمین در افغانستان یکسان نبوده، بلکه به اشکال گوناگون چون: مالکیت خصوصی بزرگ، متوسط و کوچک، تبارز می یابد. حاکمیت انقلابی افغانستان ضمن تجدید نظر بر سیاست ارضی و فوند زمین، چگونگی هر یک از اشکال متذکره را مدنظر گرفته و با آنها برخورد متناسب مینماید." (۴۳)

دکتر نجیب الله منشی عمومی حزب در پلینوم ماه جوزای ۱۳۶۶ متذکر شد که: "برقراری اندازه اعظمی زمینداری سی جریب بطور مصنوعی اندازه زمین را که برای اقتصاد نورمال مفید نبود و همچنان مناسبات عنعنوی را تخریب میکرد، در عین زمان بالای دهقانان متوسط نیز فشار وارد نمود. با اعلام فرامین مبنی بر اداره و کنترل بر نصاب زمین از پنج تاسی جریب با تبارز علاقمندی بخاطر اجتماعی ساختن فوری دهات در مرحله معین، قوانین عینی اقتصادی را نادیده گرفتیم و از همین سبب است که ما اکنون نصاب اعظمی زمینداری را به یکصد جریب بالا برده ایم." (۴۴)

بدین سان قانون جدید تنظیم مناسبات زمینداری با در نظر داشت شرایط مصالحه ملی و بخاطر مساعد گردانیدن زمینه کار دهقانان بالای زمین و ارتقای سطح محصولات زراعتی جدیداً نافذ گردید. در این قانون جمهوری افغانستان با مطالعه دقیق شرایط عینی جامعه و مردم اکنون حد اعظمی نصاب زمینداری را بجای سی جریب قبلی، یکصد جریب

زمین معادل درجه اول تعیین نموده که بدون شبهه در جلب توده های مردم و بلندبردن سطح محصولات کشاورزی و ازدیاد عواید حاصله از این مدرک نقش برجسته دارد. در مقدمه قانون تنظیم مناسبات ارضی و آب اهداف مرحله جدید خورد با مساله زمین بگونه ذیل انعکاس یافته است:

- ایجاد سیستم معقول اقتصادی مناسبات ارضی و شرایط لازم برای رشد بعدی نیروهای مولده،
- تحکیم حق مالکیت تمام اقشار زمینداران بر زمین، حق استفاده دهقانان بی زمین و کارگران زراعتی از زمین، رعایت اصول دین مقدس اسلام، رسوم و عنعنات مردم افغانستان.
- فراهم آوری تسهیلات و مساعد ساختن شرایط کار برای زمینداران و دهقانان در زراعت.
- بلند بردن حجم تولیدات زراعتی بمنظور تهیه غذای کافی و متنوع ب مردم، تهیه مواد خام برای صادرات زراعتی و صنایع رشد یابنده کشور.
- تعمیم، تحکیم، و تعمیق اتحاد کارگران و دهقانان بمنظور نیرومندی هر چه بیشتر وحدت مردم در جهت اعمار جامعه نوین در کشور.

در ماده چهارم قانون تنظیم مناسبات ارضی، حد نصاب زمینداری یک خانوار ۱۰۰ جریب زمین زراعتی درجه اول یا معادل آن به استثنای موارد چارگانه ذیل تعیین شده است:

۱- باغها و تاکستانهای ملکیت اشخاص مشروط بر اینکه تمام ساحه آن دارای درختان مثمر یا تاک باشد.
۲- قطعات زمین موقوفه اعم از اوقاف مربوط به اماکن متبرکه از قبیل: مساجد، مدارس دینی، و مزارات.
۳- زمین آن زمیندارانی که در تحقق مشی مصالحه ملی نقش فعال داشته و سهم قابل ملاحظه در قطع خونریزی و تامین صلح سراسری در کشور داشته، آمادگی قاطع برای همکاری بعدی با حاکمیت دولتی ابراز نموده باشد.
۴- بمنظور افزایش محصولات زراعتی و ارتقای سطح بازدهی کار در زمین های زراعتی موجود و زمین های که جدیداً تحت زرع قرار میگیرد، چه در تصرف مالکین خصوصی و چه متعلق به دولت باشد، به ایجاد موسسات میکانیزه زراعتی و فارمها، شرکتهای سهامی، خصوصی و مختلط اجازه داده شده و تابع حد نصاب نمیباشد.
برطبق ماده چهارم قانون تنظیم مناسبات ارضی، توزیع زمین با در نظر داشت موجودیت زمین قابل توزیع در محل، سطح حاصلخیزی و تامین آن از نگاه آب در مطابقت با تعداد اعضای فامیل دهقان صورت میگیرد. به متن این ماده توجه کنید:

ماده ۴:

توزیع زمین به دهقانان با در نظر داشت موجودیت فوند زمین های قابل توزیع در محل، سطح حاصلخیزی، تامین بودن زمین به آب، موقعیت زمین، تعداد اعضای فامیل و خصوصیات محلی، طبق جدول ذیل صورت میگیرد:

جدول نمبر (۱)

اعضای خانوار (نفقه خور)

درجه زمین

۱-۳ نفر	۴-۶ نفر	۷-۹ نفر	۱۵ نفر و بیشتر
۵	۱۲	۲۰	۳۰
۶	۱۴	۲۳	۳۵
۸	۱۸	۳۰	۴۵
۱۲	۳۰	۵۰	۷۵
۲۵	۶۰	۱۰۰	۱۵۰
۳۳	۸۰	۱۳۳	۲۰۰
۵۰	۱۲۰	۲۰۰	۳۰۰

دولت بایک چنین برخوردی آرزو داشت زمینه مساعدی را برای حل مساله زمین و آب و بلند بردن سطح محصولات زراعتی فراهم کند. ملتفت باید بود که برطبق مواد این قانون، دهقانانی که از طریق دولت زمین دریافت مینمودند، میتوانستند ساحه زمینداری خود را با خرید زمین اضافی در داخل نصاب (یعنی تا یکصد جریب زمین) افزایش دهند. (۴۵)

همچنان آن عده دهقانانی که بعد از پیروزی کودتای ثور زمین بدست آورده وبالای آن کار و فعالیت مینمودند، زمین برای آنها باقی میماند ونیز ساحه زمینداری آنهاپی که در تحقق مشی مصالح ملی، قطع جنگ و خون ریزی، استقرار صلح و آرامش درکشور مانقش براننده وفعال میداشتند، محدود نمیگردید. (۴۶)

در مرحله سوم (مرحله مشی مصالح ملی) قانون مالیه زمین نیزبداخل پنج فصل وسی ودو ماده با جدول نمبر یک (در موردتعیین درجات زمین وعواید آن) وجدول نمبر دوم در ارتباط به اندازه مالیات یک جریب زمین معادل درجه اول بتاریخ ۶ جوزای ۱۳۶۷ از طرف جلسه فوق العاده شورای انقلابی به تصویب رسید. برای اینکه مقایسه ای میان اندازه مالیات مترقی حکومت محمداود ومقدار مالیات مرحله سوم اصلاحات ارضی کرده باشیم، جدول نمبر دوم قانون مالیه زمین ذیلاً انعکاس داده میشود.

جدول نمبر (۲) (۴۷)

مقدار زمین به جریب	مالیه فی جریب به افغانی از عضو غیر کوپراتیف معاف از مالیه	مالیه فی جریب به افغانی از عضو کوپراتیف معاف از مالیه	مقدار زمین به جریب
دوجریب و کمتر از آن بیش از ۲ جریب الی ۵ جریب (۳۳۰ - ۶۶)	۷۵ (۵ جریب ضرب ۷۵ - ۳۷۵)	۶۶ (۵ جریب ضرب معاف از مالیه)	۵ جریب
بیش از ۵ جریب الی ۱۰ جریب ضرب ۸۸)	۱۰۰ (تعداد مازاد ۵ جریب ضرب ۱۰۰)	۸۸ (تعداد مازاد ۵ جریب)	۱۰ جریب
بیش از ۱۰ جریب الی ۱۵ جریب ضرب ۱۱۰)	۱۲۵ ((تعداد مازاد ۱۰ جریب ضرب ۱۲۵)	۱۱۰ (تعداد مازاد ۱۰ جریب)	۱۵ جریب
بیش از ۱۵ جریب الی ۲۰ جریب ضرب ۱۳۲)	۱۵۰ (تعداد مازاد ۱۵ جریب ضرب ۱۵۰)	۱۳۲ (تعداد مازاد ۱۵ جریب)	۲۰ جریب
بیش از ۲۰ جریب الی ۲۵ جریب ضرب ۱۷۶)	۲۰۰ (تعداد مازاد ۲۰ جریب ضرب ۲۰۰)	۱۷۶ (تعداد مازاد ۲۰ جریب)	۲۵ جریب
بیش از ۲۵ جریب الی ۳۰ جریب ضرب ۲۲۰)	۲۵۰ (تعداد مازاد ۲۵ جریب ضرب ۲۵۰)	۲۲۰ (تعداد مازاد ۳۰ جریب)	۳۰ جریب
بیش از ۳۰ جریب الی ۵۰ جریب ضرب ۲۶۴)	۳۰۰ (تعداد مازاد ۳۰ جریب ضرب ۳۰۰)	۲۶۴ (تعداد مازاد ۳۰ جریب)	۵۰ جریب
بیش از ۵۰ جریب الی ۱۰۰ جریب ضرب ۳۵۲)	۴۰۰ (تعداد مازاد ۵۰ جریب ضرب ۴۰۰)	۳۵۲ (تعداد مازاد ۵۰ جریب)	۱۰۰ جریب
بیش از ۱۰۰ جریب ضرب ۴۴۰)	۵۰۰ (تعداد مازاد ۱۰۰ جریب ضرب ۵۰۰)	۴۴۰ (تعداد مازاد ۱۰۰ جریب)	۱۰۰ جریب

با دقت در این جدول معلوم میشود که مالیات کسی که تا پنج جریب زمین در تصرف دارد و عضو کوپراتیف نیست از قرار فی جریب زمین درجه اول ۷۵ افغانی ومجموعاً ۳۷۵ افغانی میشود و کسی که مالک ده جریب زمین درجه اول یا معادل آن باشد از پنج جریب اول ۳۷۵ افغانی و از مابقی از قرار فی جریب ۱۰۰ افغانی جمله ۸۷۵ افغانی مالیه خواهد پرداخت. وبه همین ترتیب مالیه عضو کوپراتیف دهقانی برویت جدول فوق محاسبه میگردد که از پنج جریب اول ۳۳۰ افغانی و از بقیه پنج جریب از قرار فی جریب ۸۸ افغانی جمله ۴۴۰ افغانی ومجموعاً ۷۷۰ افغانی میشد وبه این حساب یک صد افغانی کمتر از مالیه یک فرد غیر عضو کوپراتیف می پرداخت.

از آنجائی که در مرحله مشی مصالحه ملی، اصلاحات ارضی وحل مساله زمینداری ستون فقرات مشی اقتصادی دولت جمهوری افغانستان را تشکیل میداد. بناءً آگاهی از ویژه گیهای مناسبات ارضی وآب در کشور و خصلت تاریخی واجتماعی آن بخاطر سازماندهی درست امور اقتصاد زراعتی شرط ضروری محسوب میشد.

جامعه شناسی مناسبات اجتماعی- اقتصادی کشور ما برای تحقق برنامه های مترقی اصلاحی، حوصله مندی وانعطاف پذیری معقول وبجا را تقاضا میکند. برخورد جدی، دقیق ومتفاوت بنابر خصوصیات روانی، قبیله ای، قومی وعننی مردم مادر هر بخش وهر محل چنین چیزی را از دست اندرکاران اصلاحات خواهانست. ولی فراموش نباید کرد که عمده ترین پرابلم زراعت درکشور ما پرابلم کمبود آب است. در طی سالیان متمادی دهقانان زحمتکش ما

بنابر شیوه های غیر عادلانه توزیع آب برای اراضی تحت کشت خویش، گاه و بیگاه به جان هم افتاده اند و چه بسا که جان های شیرین خود را بر سر حقایق زمین خویش گذاشته اند.

حقابه:

یکی از نواقص عمده تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی عبارت بود از عدم حل مساله تعیین حقابه برای دهقانانی که تازه صاحب زمین میشدند. در مرحله دوم کوتای ثور، دولت قانون آب و مقررر استفاده از آب در زراعت را به نفع دهقانان با نظر داشت رسوم و عرف محل به تصویب رساند.

پس از انفاذ قانون آب و مقررر استفاده از آب در زراعت، برای دهقانان حق داده شد تا در امر توزیع آب بطور مستقیم سهم عملی داشته باشند. از این جهت حل عادلانه مساله آب در پهلوی زمین بخش مهمی از حل مساله اصلاحات ارضی را تشکیل میدهد و بدون حل مساله آب، زمین ارزش اقتصادی خود را از دست داده، پروسه تحقق اصلاحات ارضی را ناقص میسازد.

ناگفته پیداست که پایه های اساسی اقتصادکشور برزراعت استوار است، ولی زمین فاقد آب برای هیچ کشاورزی مایه دلپستگی جهت تولید محصولات کشاورزی نیست. از همینجاست که در محلات و نقاطی که مشکل کمبود آب محسوس است و اراضی تحت کشت فاقد سربرندهای اساسی آب میباشند، دهقانان با بی رغبتی به مساله توزیع زمین برخورد مینمایند و کمتر داوطلب میگردند تا عرف محل و سنن جاری منطقه را بخاطر بدست آوردن قطعه زمین بی آب که برایش نان آورنمیشود، زیر پا کند و خطرات احتمالی از جانب مالک قبلی را پذیرا شوند. و اما در ولایاتی که اراضی مزروعی از آب کافی بهره وراست و سیستم های آبیاری نیز برای توزیع آب بصورت فنی آماده شده است، دهقانان برای بدست آوردن یک وجب زمین سر می شکنند و جان میدهند و وقتی آنرا بدست آوردند تا پای جان در برابر هر پیشامدی و هر متجاوزی ایستادگی میکنند و بدینگونه به دژ تسخیر ناپذیری برای اصلاحات مبدل میگردند.

علل شکست اصلاحات ارضی :

اشتباه کار از آنجا شروع شد که رژیم بدون در نظر داشت روان شناسی اجتماعی فکر میکرد دهقان تنها زمین میخواهد و همینکه زمینی به او تعلق گرفت، او از همه بدبختیها نجات یافته و به چیز دیگری چون: آب، بذر، وسایل شخم زنی و قلبه و مسکن، احتیاج ندارد و بطور اتوماتیک به دژ مستحکمی در برابر مالکان و فئودالان قرار خواهد گرفت.

اصلاحات ارضی نه تنها قشر ملاک استنمارگر را برضد اصلاحات قرارداد، بلکه روحانیت را که همواره از خوان ارباب تغذیه میکند در صف ارباب ایستاده کرد و او همه جا از نفوذ خود علیه تقسیم زمین استفاده و دهقانان را به استرداد زمینها به صاحبان شان تشویق نمود. و تصاحب زمین بدون پرداخت بها به مالک آن را به مثابه غصب و خلاف شریعت اسلامی جلوه داد.

اولیور روی، اسلام شناس و افغانستان شناس معروف فرانسوی در کتابش (افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی) در مورد علل شکست اصلاحات ارضی در افغانستان نظریاتی ارائه کرده که برای تکمیل موضوع تحت مطالعه خود میتوان نکات مهم آن را در اینجا بازتاب داد. به نظر وی: "اصلاحات ارضی، مبارزه با بیسوادی و تحکیم دستگاه دولت، سه محور اصلی سیاست حزب دموکراتیک خلق بود. رهبران کمونیست بدین باور بودند که انقلاب آنها انقلابی است به نمایندگی از سوی طبقه کارگر تخیلی و در برابر کشاورزانی که هیچ تحرکی ندارند. آنها مسحور نمونه قبلی یعنی کارهای امان الله خان بودند و معتقد بودند که باید هرچه سریعتر و قوی تر ضربه را وارد کرد، قبل از آن که "ضد انقلاب" بتواند قدر است کند. برای رسیدن به این هدف سه راه وجود داشت: سرکوب ضد انقلاب به کمک ارتش وفادار و مجهز، اصلاحات ارضی به نفع دهقانان و مبارزه با بیسوادی که موجب خواهد شد ایدیولوژی جدید گسترش یابد و نفوذ جامعه روحانیت بر مردم از میان برود.

به نظر روی، اشتباهات رژیم در «طرز تفکر خلقی» منعکس است: آشنائی سطحی با مارکسیسم، فقدان کامل تحلیل موقعیت عینی و نیز این باور که موفق شده اند راه جدیدی به سوی سوسیالیسم باز کنند که خاص کشورهای جهان سوم است و احتیاج به مرحله واسطه ای ندارد. برخی از گفته های امین چنین بود: «ما برای ریشه کن کردن فئودالیسم می جنگیم، به قسمی که بتوانیم مستقیماً از یک جامعه فئودالی به جامعه ای برسیم که در آن از استثمار انسان توسط انسان خبری نباشد.» «دولت خلقی ما بهترین و اولین نمونه یک دولت پرولتاریایی از اینگونه است.» امین با اشاره به گفته های تره کی میگوید: «رهبر بزرگ انقلاب ما نور محمدتره کی عقیده نداشت که باید به انتظار نشست تا جنبش مردمی خودمختاری به وجود آمده و رشد کنند تا حزب در رأس آن قرار گیرد، به عکس معتقد بود که حزب

باید حمایت فعالانه و عملی مردم را به سوی خود جلب کند.» با ذکر این آخرین نمونه از گفته های خلقی ها ... به این گفته ها خاتمه میدهم. « رهبر بزرگ ما دریافته است که در میان ملت‌هایی که در راه رشد و توسعه هستند به این دلیل که طبقه کارگرنوز قدرت لازم را بدست نیاورده، نیروی دیگری وجود دارد که میتواند حکومت فئودال استثمارگر را واژگون کند و این نیرو در افغانستان نیروی ارتش است. به همین سبب او با تصمیم قاطع دستور داده که ایدیولوژی کارگری رامیان ارتش انتشار دهند. (کابل تایمز، ۱۹ اپریل ۱۹۷۹).

از نظر رژیم، جامعه افغانستان جامعه ای فئودالی بود. این بدان معنی بود که جهان روستا مرکب بود از توده دهقانان که توسط مشتی فئودال به نام «خان»، با همدستی جامعه روحانیت استثمار میشوند. مذهب دهقانان را ناتوان کرده و آنها منافع حقیقی خود را نمی شناسند. بنابراین اگر خواهیم آنها حامی انقلاب شوند کافی است در آن واحد به آنها زمین بدهیم (اصلاحات ارضی را تطبیق کنیم) و به کمک مبارزه با بیسوادی آنها را « روشن» کنیم. در تصورات یک فرد خلقی دهقان چون لوح نا نوشته ای است که فقط به احتیاجات آنی خود می اندیشد و افکار کسی را که بتواند خود را به او تحمیل کند منعکس میسازد، چه این فرد ملای ده باشد و چه معلم مدرسه. " (۴۸)

اولیور روی میگوید: هدف اصلاحات بوجود آوردن تعداد بیشتر املاک کوچک ۴ تا ۵ هکتاری (۲۰ تا ۳۰ جریب) از زمین های خوب بود. از لحاظ نظری یک چنین واحدهایی بهره برداری، دارای بازده اندک هستند، اما این کار مستلزم آنست که دهقان به وام دسترسی داشته باشد، زیرا قانون آنها را از گرو گذاشتن زمین های واگذاری منع میکرد. وانگهی، یک حساب سرانگشتی نشان میدهد که وجوه لازم برای تجهیز کامل این املاک و پرداخت قروض آنها برای دولت چیزی در حدود ده میلیارد افغانی (یک ملیون فرانک فرانسه) هزینه در برداشت، حال آنکه جمع کل پولی که برای قروض دهقانان در سال ۱۹۷۷ اختصاص داده شده بود یک میلیارد افغانی بود. از سوی دیگر، ۲۰ تا ۳۰ جریب زمین فقط یک نصاب است: در واقع واحدهای بهره برداری زراعتی که اصلاحات ارضی تشکیل داده کاملاً پائین تر از این حد نصاب زمینداری- بدون محصولات قرار داشتند. فقط به این دلیل که جمع کل زمینهایی که از لحاظ تئوری مشمول اصلاحات ارضی شده بودند کفاف همه را نمیکرد.

رژیم کاملاً به این نکته و قوف داشت که قانون اصلاحات ارضی نمی تواند به حیات خود ادامه دهد. از این رومراحل اصلاحات ارضی را با شتاب پشت سر هم میگذاشت، چرا که هدف او تنها در هم شکستن ساختار های سنتی بود و نه ایجاد املاک کوچک زنده و پویا. گرچه اصلاحات ارضی یک اصلاح سبک اشتراکی نبود، اما بوضوح حرکتی به سوی مرام اشتراکی بود، به همین سبب است که سردمداران رژیم واقعاً برای تشکیل یک شبکه بانکی اعتبار دهنده کارآ، کوششی بخرج ندادند، چرا که این اقدام می توانست وضعیت این خرده مالکان را تثبیت کند. فقط وضعی که پیش آمد این بود که دهقانانی که از اصلاحات ارضی استقبال کرده بودند وقتی به بن بست رسیدند به عوض این که به جلو رانده شوند خواهان بازگشت به وضع سابق شدند. (۴۹)

اولیور روی میگوید: زمین بیشتر سرچشمه قدرت است تا ثروت. بطور کلی مناطقی که اصلاحات ارضی در آنها انجام شد آنهایی بودند که تعداد املاک بزرگ در آنها زیاد بود، جایی که مالکان غالباً حضور نداشتند و روابط متقابل خان و دهقان جای خود را به یک رابطه ساده بهره برداری اقتصادی سپرده بود. در این موارد بسیار اتفاق افتاده بود که خان و دهقان به یک قوم تعلق نداشتند (فی المثل خان پشتون بوده و دهقان تاجیک). زمینهای مشمول اصلاحات ارضی عموماً زمین هایی بودند که اخیراً مالکان به لطف سرمایه های تجاری تصاحب کرده بودند و همین امر مبین فقدان وابستگیهای اجتماعی- سیاسی میان خان و دهقان بوده است.

این مناطق عبارت بودند از هرات، فراه، نیمروز، لوگر، کنر، اطراف قندهار و نیز حواشی بعضی شهرها. در همه این موارد مالکان غالباً تجار ثروتمند شهری بودند که پول خود را در خرید زمین سرمایه گذاری کرده بودند. چنین به نظر میرسد که آنجا که مالک به اشرف محلی (درانیها، بلوچها) تعلق داشت و آنجا که رعیتها از همان گروه قومی بودند، کشاورزان از قبول اصلاحات ارضی استنکاف می ورزیدند. از سوی دیگر در نواحی که اختلاط اقوام مختلف بسیار شدید بود اصلاحات ارضی بهانه ای شد برای تقسیم دوباره قدرت میان گروه هایی که از لحاظ سیاسی رقیب هم بودند، ضمن آنکه جنبه "نبرد طبقاتی" هم وجود داشت. در ناحیه فیض آباد (بدخشان) وضع بر این منوال بود. در این ناحیه زمینها میان اقوام و طرفداران طاهر بدخشی مانویست سابق که از یکی از خاندانهای بزرگ محلی برخاسته است تقسیم شد و خانواده هایی که به نهضت مقاومت پیوسته بودند زمینهایی خود را از دست دادند. همچنین در دره کنر و در ناحیه خوست- یعنی منطقه قبایلی اصلاحات موجب شد که طوایف کوچکتر در مقابل طوایف بزرگتر یک قبیله واحد که بطور سنتی و عنعنی قدرت سیاسی را در دست داشتند، از موضع بهتری برخوردار شوند. بنابراین در ورای نطق و خطابه های رسمی، این دسته بندیهای سنتی در بازیهای سیاسی افغانستان بود که در اجرای اصلاحات ارضی حرف آخر را می زد و سر نوشت اصلاحات را رقم میزد. (۵۰)

اصلاحات ارضی و تخریب ساختارهای سنتی

اولیور روی می نویسد: شک نیست که نظام ارباب رعیتی حاکم بر افغانستان، عادلانه نبود، ولی به هر حال نظامی بود که کار میکرد و حاکم بر روابط دوجانبه بود. اصلاحات ارضی این روابط دوجانبه (میان مالک و رعیت) را از هم گسست، بدون آنکه شکل جدیدی از نحوه تقسیم بذر، گاوآهن، کود و حقایق را برقرار کند. مالکانی که املاکشان تقسیم شد از دادن بذر به دهقانان خود سرباز زدند، وام دهندگان سنتی از دادن قرض خود داری کردند. البته ایجاد یک بانک توسعه یا انکشاف زراعتی و یک اداره توزیع بذر و کود بصورت طرح روی کاغذ پیش بینی شده بود، اما در زمان اجرا و تطبیق اصلاحات ارضی، هیچ چیزی آماده نشده بود. یک نمونه واقعی و ملموس ثابت میکند که چگونه دهقانان فقیری که واقعاً مجذوب اصلاحات ارضی شده بودند، بیش از هزار کیلومتر از محل زندگی خود دور شدند تا در زمینهای مصادره شده کار کنند: هیچ چیز برای آنها پیش بینی نشده بود (نه بذر، نه قرضه، نه مسکن)، آنها دوباره به خانه های خود بازگشتند در حالی که فقیرتر از گذشته بودند.

بنابراین تنها اعلام ساده اصلاحات ارضی موجب میشد که دهقانان از وام دهندگان سنتی از زمان تعلیق سود (ربا) و گروهی از دادن هر نوع وامی امتناع ورزند. تعداد زیادی از مالکان از ترس مصادره املاکشان از پاشیدن بذر خود داری کردند. به طوری که در بهار سال ۱۹۷۹ تولیدات زراعتی به یک سوم سال قبل سقوط کرد. آخرین اثر سوء اصلاحات ارضی این بود که چند ملکیت بزرگ را که به دلیل مکانیزه بودن حاصلات بالائی داشتند در هم ریخت. در روستای سنگ بست هرات یک مالک بزرگ (۳۰۰ جریب) ۱۷۰ جریب زمین را به تنها یک رعیت که خود ۱۵ کارگر و یک تراکتور را به گار گرفته بود، سپرده بود، پس از تقسیم، رعیت مذکور دیگر بیش از ۵ جریب (مساوی با همه کارگران کشاورزی روستا) زمین نداشت: تراکتور غیر قابل استفاده شد و هیچ یک از واحدهای کشاورزی بازردهی نداشت، بلافاصله کشاورزان درخواست کردند وضع به حال سابق برگردد وزیر نظر مالک مذکور به کشاورزی مشغول شوند، البته بدون درخواست بازگشت مالک غایب (ملاحظات شخصی روی، اکتوبر سال ۱۹۸۲). اما آنچه اصلاحات ارضی نابود کرد، تنها یک ساختار ساده اقتصادی نبود، بلکه چهارچوب اجتماعی را از هم پاشید، نه تنها چارچوب اجتماعی تولید بل خود هستی دهقان را. کارهای اشتراکی (فی المثل لایروبی قنات) صراحتاً به دولت واگذار شده، دولتی که ناتوان از انجام این مهم بود. مالک (یاخان) وظایفی اجتماعی خاص خود را داشت. در روابط دولت نقش واسطه را بازی میکند و برای رعایا "ارباب" است، اربابی که برای رعیت خود حامی و روبنای اجتماعی است، و رژیم قصد براندازی آن را داشت. (۵۱)

تجارب هشت، نه سال رژیم برسر قدرت نشان داد که تطبیق سریع اصلاحات ارضی در کشور، یک پروسه ساده و بسیط نیست و می بایستی در برابر مشکلات تحقق این پروسه و جان سختی ای که فیو دالیزم کهن سال در کشور از خود نشان میدهد، با حوصله مندی از انعطاف پذیری معقول کارگرفت و تا کیتیک برخورد با این مساله را مرحله بمرحله با دقت و تعمق هر چه بیشتر ادامه داد.

تلاش رژیم حزب دموکراتیک خلق در براندازی ساختار اجتماعی نظام فیو دالی کشور توأم بود با تجاوز قشون سرخ برکشور و اوج گیری نهضت مقاومت ملی در برابر متجاوزین و حزب مورد حمایت متجاوزین. پس از آنکه متجاوزین شوروی در مرام خود بر این کشور ناکام و سرفاکنده شدند، و رژیم حزب دموکراتیک نیز در پی خروج قشون متجاوز با سقوط مواجه شد، تنظیم های جهادی برای کسب قدرت در شهر کابل از هرسو یورش آوردند و با غارت دارایی های عامه و تجاوز برهستی و ناموس مردم کابل را به راکت بستند و چنان وحشتی در تخریب و کشتار مردم بیگناه کابل بسر آوردند که تاریخ نظیر آن را بخود ندیده بود. سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶، دوران هرج و مرج تنظیمهای اسلامی در افغانستان است که منجر به ظهور گروه متحجر طالبان گردید. طالبان که در عقب گرائی خود منحصر بفرد بودند، گروه های تنظیمی را از پیش برداشتند و همه جا آنها را با شکست و فرار مجبور ساختند. و سرانجام بر اثر حادثه ناگوار ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با حملات هوایی امریکا از کشور رفته شدند و به همانجائی رفتند که از آنجا آمده بودند.

مآخذ و رویکردها:

- ۱- غبار، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۱، ص ۷۹۰-۷۹۲
- ۲- مواد: ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۲۲، ۲۴ قانون اساسی عهدامانی
- ۳- خطاب به مردم افغانستان، مجله آریانا، ص ۲ سال ۱۳۵۲
- ۴- خطابه محمد داود خان بمناسبت دومین جشن جمهوریت، ۱۳۵۳

تعداد صفحات: ۸ از ۱۰

افغان جرمن آنلاین شما را صمیمانه به همکاری دعوت می نماید. لطفاً به آدرس ذیل با ما تماس بگیرید

maqalat@afghan-german.de

- ۴- رسمی جریده، قانون اصلاحات ارضی، ۱۳۵۴، ص ۴
- ۶- همانجا، ص ۸-۱۲
- ۷- همانجا، ص ۱۷
- ۸- مجله جمهوریت، شماره ۱۵، سال ۱۳۵۴ ص ۱۱ و نیز رک: بمقاله رنجبر در مجله آریانا، ۱۳۶۴، شماره ۳ زیر عنوان سیاست ارضی حکومت جمهوری.
- ۹- قانون اصلاحات ارضی، ۱۳۵۴ صفحات ۱۷-۱۸
- ۱۰- همانجا، ص ۱۱
- ۱۱- همانجا، ص ۲۰
- ۱۲- همانجا، ص ۱۲-۱۴
- ۱۳- رسمی جریده، قانون سروی، تصفیه و تثبیت ارضی، ۳۱ سنبله ۱۳۵۵
- ۱۴- همانجا، ص ۲۰
- ۱۵- ک. رنجبر، مجله آریانا سال ۱۳۶۴، شماره ۳، مقاله سیاست ارضی حکومت جمهوری و وضع کشاورزی
- ۱۶- رسمی جریده، قانون سروی، تصفیه و تثبیت ارضی، ص ۲۲
- ۱۷- همانجا، ص ۲۷
- ۱۸- رسمی جریده، قانون مالیه مترقی ارضی، ص ۳۰
- ۱۹- رسمی جریده، قانون مالیه مترقی ارضی، ص ۹
- ۲۰- همانجا، ص ۱۲
- ۲۱- همانجا، ص ۱۲-۱۳
- ۲۲- پلان هفت ساله انکشاف اقتصادی واجتماعی افغانستان، مجلد ۱، کابل ۱۹۷۶، ص ۲۸۳
- ۲۳- ک. رنجبر سیاست ارضی حکومت جمهوری و وضع کشاورزی، مجله آریانا ۱۳۶۴، صص ۲۸-۲۹
- ۲۴- خطوط اساسی وظایف انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان، منتشره ۱۸ ثور ۱۳۵۷
- ۲۵- فرمان شماره هشتم شورای انقلابی ۲۶ میزان ۱۳۵۷
- ۲۶- زمین و آب به دهقانان، جدی ۱۳۶۳، ص ۱۷۹، متن فرمان شماره هشتم شورای انقلابی دیده شود.
- ۲۷- اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب، جدی ۱۳۶۱ صفحات ۱۱-۱۳
- ۲۸- اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب، صفحات ۱۲-۱۳، ۲۱
- ۲۹- زمین و آب به دهقانان، جدی ۱۳۶۳، صفحه ۱۳۹ (بیانیه سلطان علی کشتمند بمناسبت ختم سیمینار تطبیق اصلاحات ارضی و آب، ۸-۱۰ حوت ۱۳۶۲)
- ۳۰- گزارش اساسی پلینوم چهارم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
- ۳۱- برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق ۲۰ حوت ۱۳۶۰، فصل چهارم
- ۳۲- اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب، جدی ۱۳۶۱، ص ۲۲
- ۳۳- زمین و آب به دهقانان، جدی ۱۳۶۳، ص ۲۳۲، فرمان هیئت رئیسه شورای انقلابی در باره تعدیل فرمان شماره هشتم دیده شود.
- ۳۴- زمین و آب به دهقانان، جدی ۱۳۶۳، ص ۱۶۲
- ۳۵- رک: ضمیمه نمبر یک فرمان شماره هشتم شورای انقلابی (زمین و آب به دهقانان)
- ۳۶- اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب، جدی ۱۳۶۱، صفحات ۱۹-۲۰ و نیز زمین و آب به دهقانان ص ۲۳
- ۳۷- همان منبع، صفحات ۲۳-۲۷ و نیز زمین و آب به دهقانان، ص ۱۷۸
- ۳۹- همان اثر، صفحات ۱۳۸-۱۳۹
- ۴۰- گزارش پلینوم بیستم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
- ۴۲- زندگی حزبی، شماره ۵، سال ۱۳۶۶، ص ۲۵
- ۴۳- همان منبع، ص ۲۸
- ۴۴- گزارش اساسی پلینوم ماه جوزای ۱۳۶۶
- ۴۵- قانون تنظیم مناسبات ارضی ۱۳۶۶، ماده ۳۳
- ۴۶- همانجا
- ۴۷- قانون مالیات مترقی ارضی، ص ۳۰
- ۴۸- اولیور روی، افغانستان، اسلام و نوگرایی، ترجمه ابوالحسن سرومقدم، چاپ مشهد، ۱۳۶۹، ص ۱۳۱

۴۹- همان اثر، ص ۱۳۸-۱۳۹

۵۰- همان اثر، ص ۱۴۰-۱۴۱

۵۱- همان اثر، ص ۱۳۷-۱۳۸

۵۲- زمين و آب به دهقانان، ۱۳۶۳، ص ۱۳۹